**بسم الله الرحمن الرحیم**

**حجیت قطع**

**علم اجمالی**

**فرمایش مرحوم آخوند**

**جلسه سیزدهم\_ دوشنبه 8 آبان 1396**

فرمایش مرحوم آخوند به طبق تقریر ما این است که مقتضی برای قول به اقتضا در علم اجمالی به نسبت به حرمت مخالفت قطعیه و وجوب موافقت قطعیه موجود است. مانع هم نیست. پس باید به اقتضاء علم اجمالی و نه به علیت تامه آن قائل شویم.

اما قول به اقتضا، مقتضی دارد چون مرتبه حکم ظاهری در علم اجمالی محفوظ است، چون در عین آنی که علمی هست، تردیدی هم هست. به لحاظ این تردید، جعل حکم ظاهری مانعی ندارد. اگر بنا باشد مانعی در کار باشد، آن خود علم اجمالی است ولی به نظر مبارک ایشان، چون علم علم اجمالی است و تام الفعلیه نیست، نمیتواند مانع جعل حکم ظاهری باشد.

توضیح بیشتر اش را دیروز عرض کردیم، در برابر این نظریه فرمایش مرحوم شیخ انصاری است که معتقد است، علم اجمالی به نسبتبه حرمت مخالفت قطعیه، علت تام هاست اما نسبت به وجوب موافقت قطعیه اقتضا دارد. لذا می توانید تصور کنید که در یک طرف فقط اصل جاری بشود نه در دو طرف، آنچه که از کفایه در پاسخ به این فرمایش استفاده میشود این است که یا شما، در هر دو طرف به علیت تامه معتقد شوید، یا در هر دو طرف به اقتضا، دو طرف یعنی حرمت مخالفت و وجوب موافقت. تفصیل معنا ندارد چون از شما شیخ انصاری میپرسم چرا در هر دو طرف اصل جاری نمی کنید؟ میفرمایید چون اجتماع ضدین بوجود می آید. از یک طرف واجب باشد و از یک طرف واجب نباشد.

جناب شیخ انصاری همچنان که اجتماع ضدین محال است نباید به صورتی نظر داد که احتمال ضدین پیش بیاید چون احتمالش هم محال است.

وقتی در شبه بدویه در یک طرف، اصل جاری می شود، احتمال اجتماع است پس بگویید نه در یک طرف اصل جاری می کنید و نه در هر دو طرف. نتیجه اش میشود وجوب وموافقت قطعیه و حرمت مخالف قعطه.

یا اگر راه علاج دارید در جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی برای یک طرف، همان راه حل را هم در طرف مقابل هم دارید، راه حل هم این بود که بگوییم چون علم، علم اجمالی است، وصول محقق نشده است، فعلیت تامه پیدا نکرده است. پس جعل حکم ظاهری در هر دو طرف اشکالی ندارد، بل هعلم اجمالی، اقتضا حمت مخالفت قطعیه را دارد. اقتضا وجوب موافقت قطعیه را دارد، اما علت تامه نه نسبت به حرمت است و نه وجوب.

حال عصاره فرمایش مرحوم آخوند به یک تقریر دیگری از ما:

در این بحث ما چند راه داریم:

1. بگوییم علم اجمالی هیچ فرقی با قطع تفصیلی ندارد، این حرف قطعا اشتباه است چون قطعا یک نحوه تردیدی در علم اجمالی هست
2. بگوییم علم اجمالی مثل شک است. نه مخالفتی حرام و نه موافقی واجب است.
3. راه حل شیخ انصاری، بگوییم نسبت به حرمت مخالفت قطعیه علت تامه و نسبت به وجوب موافقت قطعیه اقتضا که این را هم جواب دادیم
4. علم اجمالی شک نیست لذا اقتضا دارد، علم اجمالی مثل قطع تفصیلی هم نیست لذا علیت تامه ندارد و برزخ بین این هست که یعنی همان اقتضا هم نسبت به حرمت و هم نسبت به وجوب.

معنای اقتضا هم این بود که شارع می تواند ثبوتا جعل ترخیص کند.

آیا ترخیص کرده است یا نه؟ میفرماید یک جا را فعلا میگوییم که ترخیص آمده است ولی همین را به عنوان نقص بپذیرد و آن مورد شبهه غیر محصوره است. اصولیین فرموده اند مخالفت با همه اطراف در شبهه غیر محصوره مانعی ندارد. پس معلوم میشود با علم اجمالی به مجوز عقل و شرع می توان مخالفت کرد.

این فرمایش آخوند. اگر کسی بخواهد با این فرمایش مخالفت کند هیچ راهی ندارد الا اینکه آن جمعی که ایشان بین حکم واقعی و طاهری را مخدوش کند به عبارت اخری این مطلب را مخدوش کند تا علم تفصیلا پیدا نشود، حکم فعلی نیست؛ لذا مانعی ندارد یک حکم الله واقعی در مرحله انشاء باشد و یک حکم ظاهری در مرحله فعلیت. چون مرتبه ها متعدد شد جمع ممکن است. چون آن حکم الله واقعی هنوز وصول به شما پیدا نکرده است فعلیت ندارد. درستی یا غلطی این بحث مربوط به بحث حکم ظارهی است.

در برابر نظر آخوند یک نظر دیگر را بیان می کنم و آن مبنای مرحوم خویی است. این بزرگوار می گوید اساسا علم د فعلیت حکم تاثیری ندارد بله در تنجز تاثیر دارد اما در فعیل نه. و آن چه به نام جمع بین ضدین یا نقیضین مطرح می شود به تقریر این بزرگوار از این قرار است که اولین منزلش منزل اعتبار است. در مرحله اعتبار تضادی نیست و اعتبار قلیل المؤونه است.

دومین منزل منزل ابراز است که در منزل ابراز است که این جا هم اشکالی ندارد.

اشکال از ناحیه مبدا و منتها است. مرا د از مبدا مصالح و مفاسد و مراد از انتها امتثال است.

اعتبار اشکالی نداشت و جمع می شد منتها اعتبارات ما صرف اعتبار نبوده و بر خواسته از مصالح و مفاسد واقعی است که آن ها با هم جمع نمی شود.

اگر تضادی هست در مبدا و منتها است.

در شبهه بدویه نمی دانم این لیوان نجس است یا پاک، اصل را درش جاری می کنم، نه مشکلی در ناحیه مبدا به وجود می آید و نه مشکلی در ناحیه منتها چون شما شک دارید و هیچ علمی ندارید که این شرب توتون حلال است یا نه و فقطط شک دارید لذا حکم الله واقعی هر چه که باسد.

این در شبهه بدویه بود ولی وقتی دو لیوان شد اینجا فقط شک نیست و یک عم هست و من آقای خویی معتقدم وصول مححق شده است منتها وصول تارة تفصیلی و تاره اجمالی است اگر عبدی فرزند مولا را نمیشناسد که دقیقا کدام است، هر پنج نفر را بکشت آیا حق است که که قصاص شود یا نه ؟به تعبیر این بزرگوار وجدان بهترین شاهد است که حق مخالفت قطعیه ندارم تا بتوانم در هر دو طرف اصل جاری کنم واینجا با شک و شبهه بدویه فرق دارد در شبه بدویه وصول نبود اینجا هست منتها اجمالی.

فرق بین این دو بزرگوار در جمع بین حکم ظاهری و واقعی است.

آقای خویی می گوید در شبه محصوره لولا عسر و حرج مخالفت قطعیه حرام است لذا این نقض آخوند به من خویی وارد نیست.

**و صلی الله علی محمدٍ و آله الطیّبین الطاهرین المعصومین.**